

ایرادات کتب درسی در گفت‌وگوی «جوان» با مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

مهارت‌های نرم و شایستگی‌های عمومی جایگزین حفظیات می‌شود

باقریان: انتقاداتها کاملاً قابل قبولند، اما موضوع اصلاح محتوا بسیار گسترده‌تر از حذف چند مطلب حفظی است



آموزش عمومی باید مهارت‌های لازم برای زندگی را نیز ارائه دهد. این موضوع هم‌اکنون روی میز ماست و بخشی از اصلاحات در برنامه‌های درسی به آموزش مهارت‌های زندگی اختصاص دارد. بدون شک برای تغییرات بنیادی، باید نظام ارزشیابی و پذیرش دانشگاه نیز اصلاح شود تا وابستگی به حفظیات کمتر شود

بلکه هدف اصلی تغییر نقش مدرسه در فرایند یادگیری است. مدارس نباید صرفاً مجری برنامه‌های آموزشی باشند، بلکه باید هدایت‌گر مسیر یادگیری دانش‌آموزان شوند. در همین راستا، بسته‌های آموزشی جدید طراحی شده‌اند تا فرصت‌های یادگیری را به مدارس پیشنهاد دهند، نه اینکه صرفاً محتوا را منتقل کنند. راهنمایی تفصیلی برای معلمان طراحی خواهد شد تا آنها بدانند در هر دوره تحصیلی چه اتفاقی می‌افتد و محورهای آموزشی چیست. همچنین، عناوین درسی مشخص و چارچوبی برای هماهنگی فعالیت‌های مدرسه با اهداف کلان آموزشی ارائه خواهد شد.

در این برنامه، نظام شایستگی‌های عمومی نقشی کلیدی ایفا می‌کند. چهار محور اصلی این نظام شامل هویت اسلامی ایرانی، خوشنظمی، ساز، ارتباط مسئولانه و تعقل است؛ این چهار محور باید در تمامی منابع آموزشی گنجانده شود تا مدرسه نه تنها محیط آموزش، بلکه فضای تربیت و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای جامعه باشد.

با توجه به اینکه می‌گویید قرار است این تغییرات از پایه ابتدایی آغاز شود و مورد آزمایش قرار گیرد، چه زمانی تمامی پایه‌های تحصیلی را شامل می‌شود؟

در حال حاضر، اولویت با پایه اول ابتدایی است، چراکه این پایه زیربنای آموزش در سال‌های بعدی را شکل می‌دهد. با این حال، این اصلاحات درسی در قالب نظام آموزشی قرار دارند، اما نقش طراحی مسیر آموزشی دوره‌های میانی هستیم تا این تغییرات با سرعت بیشتری اجرا شوند.

ریل‌گذاری برنامه‌های درسی به‌زودی آغاز خواهد شد و اصلاحات درسی در این زمینه، اما پایدار در سایر مقاطع ادامه خواهد یافت تا به یک نظام آموزشی متوازن و مبتنی بر مهارت‌های واقعی برسیم. شاید حدود سه سال این مسئله زمان ببرد.

در دنیای امروز که دانش‌آموزان با موبایل و فناوری‌های جدید آشنا هستند، انتظارات از کتاب‌های درسی فراتر از گذشته شده است. با این مسئولیت سنگین، چگونه می‌توان تعادلی میان حفظ میراث آموزشی و پاسخ به نیازهای سریع و متغیر دانش‌آموزان ایجاد کرد؟

کتاب‌های درسی در قلب نظام آموزشی قرار دارند، اما نقش آنها با تحولاتی که در جامعه اتفاق می‌افتد، بیشتر از همیشه مورد چالش قرار گرفته است.

از یک سو، انتظار داریم کتاب‌های درسی، میراث آموزشی گذشته را حفظ کنند و دانش‌آموزان را با مفاهیم پایه‌ای آشنا سازند. از سوی دیگر، مطالبه می‌شود که این کتاب‌ها همگام با تغییرات جامعه پیش بروند و حتی جلوتر از آن حرکت کنند. این تعادل، چالش بزرگی برای تدوین محتوای درسی ایجاد کرده است.

ما نباید صرفاً بازتاب‌دهنده تغییرات سطحی جامعه باشیم، بلکه باید مسیر آموزشی را هدایت کنیم، اما در عین حال، نباید آنقدر از نیازهای واقعی دانش‌آموزان فاصله بگیریم که این منابع آموزشی ناکارآمد شوند. مدرسه امروز باید نقش‌های پیچیده و متعددی را ایفا کند و همین موضوع باعث شده که کتاب‌های درسی بیش از حد تحت فشار مطالبات مختلف قرار بگیرند. برخی حتی معتقدند که کتاب‌های درسی یکی از سست‌ترین پدیده‌های فرهنگی هستند، زیرا تغییرات آنها نیازمند دقت و بررسی‌های عمیق است.

در نهایت، آنچه اهمیت دارد حرکت به سمت بسته‌های آموزشی جامع‌تر است، به‌طوری که بتوانیم بین روش‌های سنتی آموزش و نیازهای جدید دانش‌آموزان، تعادل مناسبی ایجاد کنیم.

برخی معتقدند که مافیای کنکور و امتحانات نهایی مانع حذف حفظیات می‌شوند، زیرا حفظ محوری آموزش به نفع آنهاست، آیا این موضوع را تأیید می‌کنید؟

دبیرستان همواره به‌عنوان واسطه‌ای برای گذر به آموزش نیمه‌تخصصی دانشگاه تعریف شده است. این اقتضای بخشی از مأموریت دبیرستان بوده و همچنین باید برای بخشی از دانش‌آموزان ادامه داشته باشد، اما با مخاطبان و نیازهای متنوعی روبه‌رو هستیم.

مسیرهای اصلی شامل آموزش فنی حرفه‌ای و نظری هستند. مسیر فنی حرفه‌ای نباید شامل این مشکلات باشد، اما همچنان در حال بررسی هستیم که چطور مدل آموزشی نظری را اصلاح کنیم.

بخش مهمی از چالش به مدل ارزشیابی مرسوم مرتبط است که نیاز به بازطراحی دارد. وابستگی شدید نظام آموزشی به کنکور باعث شده که حفظیات همچنان بخش بزرگی از آموزش را تشکیل دهد.

ما در حال بررسی راهکارهایی برای کاهش این وابستگی هستیم تا نظام آموزش عمومی از مدل پذیرش دانشگاه جدا شود و بر مهارت‌های واقعی تمرکز کند.

بسیاری از دانش‌آموزان پس از ۱۲ سال تحصیل، تصور می‌کنند که مسیر مشخصی برای آینده ندارند. این نگرانی در میان خانواده‌ها نیز مشهود است، نظر شما در این رابطه چیست؟

ما ایرادات تربیتی را قبول داریم، ولی باید از اغراق در نقد نظام آموزشی نیز پرهیز کرد. این سیستم همواره پذیرای اصلاح بوده و هیچ‌گاه در برابر نقد مقاومتی نداشته است.

ما باید نقش خود را به‌درستی ایفا کنیم مدرسه باید محیطی باشد که تجربه زیست‌لذت‌بخش از ایرانی بودن را فراهم کند؛ امیدواریم این اتفاق به‌درستی رقم بخورد.



محمد مهدی باقریان

مهسا گرپندی

دانش‌آموزان، کتاب‌های درسی را ورق می‌زنند، فرمول‌ها را حفظ می‌کنند و برای آزمون‌هایی آماده می‌شوند که قرار است مسیر آینده‌شان را مشخص کند، اما واقعاً چند درصد از آنچه در ۱۲ سال تحصیل یاد می‌گیرند، در زندگی‌شان کاربرد دارد؟ متأسفانه سال‌هاست که حفظیات بی‌هدف، وابستگی آموزش به کنکور و نبود مهارت‌های ارتباطی، عملی و کاربردی به چالش‌های بزرگ برای محصلان تبدیل شده است. والدین و معلمان می‌پرسند چرا مدرسه، به جای فضایی برای تفکر و کشف استعدادها، میدان رقابت‌های فرسایشی ایجاد کرده؟ چرا کتاب‌های درسی نمی‌تواند دانش‌آموزان را برای زندگی واقعی آماده کند؟ اصلاً چرا آموزش هنوز به حفظیات وابسته است؟ به همین منظور، «جوان» به سراغ دکتر سیدمهدی باقریان، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش رفته تا پاسخ این سؤالات را جویا شود. اینکه کنکور چه نقشی در حفظی محور بودن آموزش دارد و چگونه می‌توان مدارس را از مجری صرف برنامه‌های درسی به هدایت‌گر مسیر یادگیری تبدیل کرد.

برنامه درسی در تمامی مقاطع تحصیلی، تعریف جایگاه مدرسه در آموزش، فراتر از محتوای کتاب‌های درسی و تمرکز بر مهارت‌های نرم و شایستگی‌های عمومی دانش‌آموزان خواهد بود. در همین راستا، راهنمای تفصیلی دروس برای دوره ابتدایی تدوین شده و بسته آموزشی پایه اول ابتدایی در حال آماده‌سازی است. برنامه آموزشی جدید به‌صورت مرحله‌به‌مرحله اجرا خواهد شد تا نظام آموزشی از وابستگی صرف به کتاب‌های درسی فاصله بگیرد. در این مرحله، تمرکز ما دیگر تنها بر تولید کتاب‌های درسی نیست، ما تلاش کرده‌ایم که نظام برنامه‌ریزی درسی را احیا کنیم و تمرکز را از کتاب‌محوری به برنامه‌محوری تغییر دهیم.

آیا این تغییرات در سال تحصیلی پیش‌رو، اجرایی می‌شود و دانش‌آموزان در مدارس شایستگی‌های

اینها تکرار مکررات است. درست است که نقش معلم در اجرای برنامه‌های آموزشی مهم و پررنگ است، اما معلمان می‌گویند که کتب درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که دست‌شان را برای خلاقیت آموزشی باز بگذارد. آنها بر این باورند که بخشی از دانش‌آموزان بعد از مدرسه وارد دانشگاه نمی‌شوند و باید مهارت‌های لازم برای زندگی به کودکان و نوجوانان یاد داشته شود. آیا شما تدابیری برای آموزش این گونه مهارت‌های مهم و اساسی در نظر گرفته‌اید؟

آموزش عمومی باید مهارت‌های لازم برای زندگی را نیز ارائه دهد. این موضوع هم‌اکنون روی میز ماست و بخشی از اصلاحات در برنامه‌های درسی به آموزش مهارت‌های زندگی اختصاص دارد.



بدون شک برای تغییرات بنیادی، باید نظام ارزشیابی و پذیرش دانشگاه نیز اصلاح شود تا وابستگی به حفظیات کمتر شود. از طرفی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی از سال ۱۴۰۰ اقدام به تدوین بسته زیرساختی برنامه درسی کرده تا ساختار آموزشی از تمرکز صرف بر کتاب‌های درسی خارج شود و مهارت‌های زندگی و شایستگی‌های عمومی تقویت شوند.

این بسته شامل مواردی چون: شفاف‌سازی

سال‌هاست که بحث درباره مباحث حفظی و غیر کاربردی کتب درسی در نظام آموزشی مطرح است. آقای کاظمی، وزیر آموزش و پرورش نیز بر بازبینی محتوای کتاب‌های درسی تأکید و اعلام کرده که بازطراحی حجم کتاب‌ها و بهبود کیفیت آموزشی از اولویت‌های وزارتخانه است. حال سؤال این است که چه تغییراتی برای اصلاح این روند بر عیب و ایراد انجام می‌شود؟

از بیرون، کتاب‌های درسی صرفاً حفظ‌محور به نظر می‌رسند، اما در واقعیت، نظام آموزشی پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. انتقادات کاملاً قابل قبولند، اما موضوع اصلاح محتوا بسیار گسترده‌تر از حذف چند مطلب حفظی است.

در دوره ابتدایی، مهارت‌های پایه‌ای مانند خواندن، نوشتن و محاسبه کردن آموزش داده می‌شوند که جزو مهارت‌های کلیدی هر نظام آموزشی هستند و نباید آنها را صرفاً حفظی تلقی کرد، اما در دوره متوسطه برخی دروس به دلایل ارزشیابی و روش‌های تدریس به سمت حفظیات سوق داده می‌شوند.

گاهی شنیده می‌شود که «رادیکال ۱۳۲ یا طول رودخانه چه کاربردی دارد؟» این اطلاعات برای درک موضوعات علمی و جغرافیایی ارائه می‌شوند، نه برای حفظ کردن. اگر روش‌های ارزشیابی اصلاح شوند و یادگیری مبتنی بر فهم باشد، حفظیات کمرنگ‌تر می‌شوند.

اما حجم زیاد اطلاعات عددی در کتاب‌های درسی، دانش‌آموز را مجبور به حفظ کردن آنها می‌کند. آیا این موضوع، ضرورت حذف این اعداد را نشان نمی‌دهد؟!

چالش اصلی حذف اعداد نیست، بلکه نحوه آموزش آنهاست. جامعه ما در درک و استفاده از اعداد، به‌ویژه مقادیر بزرگ، ضعف دارد و افراد نمی‌توانند تفاوت میلیون و میلیارد را درک کنند.

به جای حذف اطلاعات عددی، باید فعالیت‌های یادگیری طراحی شوند که مفاهیم را قابل فهم کنند. اگر ارزشیابی‌ها به درک و تحلیل اعداد متکی باشند، حفظیات به مرور کمرنگ‌تر خواهند شد.

این مشکل حتی، در مورد اطلاعات غیر عددی هم وجود دارد. حجم اطلاعات در کتب درسی بسیار زیاد است.

چگونه می‌توان بین مطالب مفهومی و حفظی تمایز قائل شد؟

برای آزمون‌های نهایی متوسطه دوم، راهنمای ارزشیابی طراحی شده تا معلمان و طراحان سؤال بدانند که حفظیات چه جایگاهی دارند. حفظیات نباید محور ارزشیابی باشند، بلکه باید بر تفکر و تحلیل تأکید شود.

اصلاح کتاب‌های درسی زمان‌بر و پیچیده است. برخی مطالبات درباره محتوای‌ها، ساده به نظر می‌رسند، اما نیاز به بررسی دقیق دارند.

در این راستا، تلاش شده تا کتاب‌های متوسطه دوم نقش منطقی‌تری در تخصیص دانش‌آموزان به رشته‌های تحصیلی و آینده تحصیلی آنها داشته باشند.

یکی از پژوهش‌های انجام شده، شناسایی و حذف مطالب تکراری در کتاب‌های مختلف است. موضوعاتی مانند «همسایگی» در دروس مختلف از زاویه‌های متفاوتی بررسی می‌شوند که ممکن است این تکرارها زائد باشند و نیاز به بازنگری داشته باشند.

در نهایت، هدف اصلی کاهش حفظیات و افزایش یادگیری مفهومی است، اما اجرای این اصلاحات به زمان و بررسی دقیق نیاز دارد.

دیگر چقدر زمان لازم است؟! سال ۱۴۰۱ بود که رهبر انقلاب توصیه کردند محتوای حفظی در کتاب‌های درسی باید حذف شود. شما چه اقداماتی برای اجرای این توصیه انجام داد؟

ضمن تأکید رهبر انقلاب بر کاهش حفظیات، توسعه علوم پایه نیز یکی از دغدغه‌های اساسی معظّم‌له می‌باشد. بسیاری از منتقدان مطالب زائد را به دروس نیمه‌تخصصی علوم پایه نسبت می‌دهند، اما این دروس برای گروهی از دانش‌آموزان و مسیرهای تحصیلی آنان ضروری‌اند.

بنابراین، اولین و مهم‌ترین گام، اصلاح برداشت و تلقی ما از کتاب‌های درسی و مطالب آنهاست. قبل از هر تغییر، باید شناخت دقیق‌تری از جایگاه این محتواها در فرایند یادگیری داشت تا بتوان اصلاحات را هدفمند و اصولی اجرا کرد.

گاهی تصاویر و گزارش‌هایی که از وضعیت کتاب‌های درسی منتشر می‌شوند، دقیق نیستند و باعث می‌شوند انتظارات از تغییرات غیرواقع‌بینانه باشد. فرایند برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی دارای اقتضات خاصی است که امکان اصلاحات فوری را دشوار می‌کند.

کتاب‌های درسی هر سال تحصیلی، از قبل وارد چرخه تدوین و چاپ می‌شوند، بنابراین اگر افسال تصمیمی درباره تغییر محتوای یک کتاب گرفته شود، آن تغییرات در نسخه سال آینده اعمال خواهد شد، نه در همان سال.

با این حال، ما اعتقاد داریم که نظام آموزشی باید از کتاب‌محوری فاصله بگیرد و به سمت برنامه‌محوری حرکت کند. تغییرات اساسی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و بررسی ساختار آموزشی است، نه تصمیمات مقطعی و فوری.

به عقیده بنده، کتاب‌های درسی در نظام آموزشی ایران بیش از حد بار آموزشی را به دوش می‌کشد، در حالی که باید به‌عنوان یکی از ابزارهای یادگیری در کنار سایر روش‌ها استفاده شود. این مسئله باعث شده که برخی انتقادات تنها کتاب‌های درسی را هدف قرار دهند.

بدون شک نظام تعلیم و تربیت باید از کتاب‌محوری فاصله بگیرد و به سمت تربیت مهارت‌محور حرکت کند. همچنین نقش معلمان در اجرای برنامه‌های آموزشی حیاتی است، زیرا بدون معلم متخصص، حتی بهترین کتاب‌های درسی نیز نمی‌توانند تأثیر مطلوب را داشته باشند.